

جهانی شدن حقوق ارتباطات

دکتر رویا معتمدنژاد

چکیده

در این مقاله، این ایده برای اولین بار در ایران و در دنیا، ارائه داده می شود که حقوق ارتباطات، در برگیرنده حقوق رسانه‌های سنتی و حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات (به‌ویژه حقوق اینترنت)، بُعد جهانی پیدا کرده و دارای ویژگی‌های حقوق جهانی است. به عبارتی، منظور از حقوق جهانی، حقوقی است که بخش مهمی از آن، خارج از حیطه دولت‌ها، در دل نهادهای متفاوت و متنوع، معماری و تولید می‌شود. آن متشکل از قواعد سخت از یک‌سو، و قواعد نرم از سوی دیگر است. آن استوار بر مجموعه اصول پایه‌ای است که مورد قبول بخش مهمی از جامعه بین‌المللی است. تحقیق حاضر، دارای سه بخش است. ۱) فضای رسانه‌های سنتی و حقوق آن، ۲) حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، ۳) حقوق ارتباطات به‌عنوان یک حقوق جهانی. در این مقاله کوشش شده تا ثابت شود که اگر حقوق رسانه‌های سنتی از دیرباز علائمی از حقوق جهانی را دارا بوده، امروز حقوق اینترنت به طریق اولی خصوصیات حقوق یادشده را دارا است.

کلیدواژه‌ها: حقوق رسانه‌های سنتی، حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات،

حقوق اینترنت، حقوق جهانی، حقوق جهانی ارتباطات

Du droit des medias au droit des nouvelles technologies : Caractéristiques d'un droit de la communication désormais globalisé

Roya Motamed Nejad¹

Abstract

Le droit de la communication revêt désormais les caractéristiques du droit globalisé. Ceci concerne non seulement le droit de l'internet, ce qui est l'évidence même, mais aussi le droit des médias plus anciens.

Le droit de la communication revêt désormais les caractéristiques du droit globalisé. Ceci concerne non seulement le droit de l'internet, ce qui est l'évidence même, mais aussi le droit des médias plus anciens. Le droit de la communication revêt désormais les caractéristiques du droit globalisé. Ceci concerne non seulement le droit de l'internet, ce qui est l'évidence même, mais aussi le droit des médias plus anciens.

Le droit de la communication revêt désormais les caractéristiques du droit

1. Maître de conférence à la Faculté de Droit et des Sciences Politiques de l'Université Allameh Tabatabaïi de Téhéran
Ro_motamed@hotmail.com

globalisé. Ceci concerne non seulement le droit de l'internet, ce qui est l'évidence même, mais aussi le droit des médias plus anciens. Le droit de la communication revêt désormais les caractéristiques du droit globalisé. Ceci concerne non seulement le droit de l'internet, ce qui est l'évidence même, mais aussi le droit des médias plus anciens.

Les mots clefs : droit de la communication, droit des médias, droit du numérique, droit de l'internet, droit global, droit globalisé

مقدمه

حقوق ارتباطات، دیگر آن حقوق سرزمینی گذشته نیست، بلکه جنبه جهانی پیدا کرده است. حتی آن زمانی که هنوز اینترنت وجود نداشت، می‌شد از حقوق جهانی ارتباطات، صحبت به میان آورد. (معتدناژاد، ۱۳۹۱: ۳۳) به طریق اولی، امروز که تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، بدون توجه به مرزها، حضور مستمر و پررنگ پیدا کرده‌اند، حقوق جهانی رفته‌رفته جای حقوق سرزمینی را گرفته است.

منظور از حقوق جهانی، حقوقی است که بخش مهمی از آن، خارج از حیطه دولت‌ها، در دل نهادهای متفاوت و متنوع، معماری و تولید می‌شود. متشکل از قواعد سخت از یک‌سو، و قواعد نرم از سوی دیگر است. استوار بر مجموعه اصول پایه‌ای است که مورد قبول بخش مهمی از جامعه بین‌المللی است. با الهام از نظریه اساتید معروف دانشکده‌های حقوق کشور فرانسه، از جمله ژان برنارد اُوبی، ژاک شوالیه، و میری دلماسی مارتی، که در سال‌های اخیر در زمینه تأثیر جهانی شدن بر حقوق کار کرده‌اند، بررسی تحول حقوق ارتباطات در طول زمان، جالب به نظر می‌رسد و اینکه چطور، به تدریج، در طی چند قرن، به صورت یک حقوق فرامرزی در آمده است. حقوقی که مبتنی بر مجموعه اصولی، برگشت‌ناپذیر است.

تحقیق حاضر، تحت عنوان: «شکل‌گیری حقوق جهانی ارتباطات: از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات»، دارای سه بخش است. (۱) فضای

رسانه‌های سنتی و حقوق آن، ۲) حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، ۳) حقوق ارتباطات به‌عنوان یک حقوق جهانی.

بخش اول: فضای رسانه‌های سنتی و حقوق آن

قبل از پرداختن به تحولات حقوق رسانه‌های سنتی و ویژگی‌های آن، لازم است نقش رسانه در جامعه دموکراتیک، مورد مطالعه قرار گیرد.

گفتار یکم: رسانه و اهمیت آن

فعالیت‌های رسانه‌ای، فعالیت‌های خاصی هستند و در نتیجه چارچوب‌های حقوقی خاص را می‌طلبند. (Derieux, 2010: 1146)

منظور از خاص بودن، نقش منحصر به فرد آن‌ها، در دموکراسی‌ها است. اما رسانه چیست و چه نقشی ایفا می‌کند، موضوعاتی هستند که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بند یکم: مفهوم رسانه و ضوابط آن

به لحاظ سنتی، مفهوم رسانه به ارتباطاتی گفته می‌شود، که به‌صورت پیام‌های مدون، سمعی یا بصری هستند، صورت جمعی و عمومی دارند و از هنجارهای اخلاقی و مسئولیت تحریریه‌ای تبعیت می‌کنند. و اما، ضوابط رسانه‌ای یادشده، عبارت‌اند از:

رسانه‌های سنتی هدف دارند: از جمله آنکه اطلاع‌رسانی می‌کنند، بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند، منافع عمومی را دنبال می‌کنند و موجب تحقق آزادی بیان می‌شوند.

این رسانه‌ها، دارای سیاست تحریریه‌ای‌اند و یک فرایند تحریریه‌ای را دنبال می‌کنند: به این معنا که به تولید محتوا می‌پردازند یا در پی به‌دست آوردن آن هستند و در نهایت که محتوا را پخش کردند، مسئولیت تحریریه‌ای آن را قبول می‌کنند.

رسانه‌های مذکور، دارای روزنامه‌نگاران و دیگر آفرینندگان محتوا هستند.

رسانه‌های سنتی، به‌صورت «دوره‌ای» (منظم) به انتشار می‌پردازند.

1. "Les activites des Medias Ont Leurs Specificites. Elles ont donc Leurs exigences Juridiques Propres", Derieux (E.), op. cit, p.39.

این رسانه‌ها، ارتباطات جمعی (یا عمومی) را موجب می‌شوند. رسانه‌های یادشده، در نهایت تعدادی هنجارهای اخلاقی و حرفه‌ای و حقوقی را رعایت می‌کنند. در این میان، ضوابط ۱، ۲ و ۶، از اهمیت خاص برخوردار هستند.

بند دوم: خاص بودن فعالیت‌های رسانه‌ای

فعالیت‌های رسانه‌ای، از آن جهت خاص هستند که دو وجه دارند. از یک سو فعالیت‌های اقتصادی تجاری به شمار می‌روند، و از سوی دیگر، بُعد فرهنگی دارند. به بیان دیگر، رسانه‌ها را نمی‌توان تنها از بُعد مادی نگاه کرد. صحبت که از آن‌ها به میان می‌رود، مفاهیمی همچون منافع عمومی، کیفیت محتوا، هویت فرهنگی، حق بر اطلاعات و فرهنگ، و غیره ... مطرح می‌شوند.

رسانه‌ها، ارتباطات و فرهنگ، بیشتر از همیشه، نیاز به حمایت دارند. شورای اروپا و یونسکو، از اولین سازمان‌هایی بوده‌اند که بر ضرورت حمایت از فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی، از جمله رسانه‌ها، در جهت حفظ «تنوع فرهنگی»، تأکید کرده‌اند.

(Conseil de L'Europe, Declaration sur La Diversite CuLturelle, 2000 et UNESCO, Declaration universelle sur La Diversite CuLturelle, 2005)

بند سوم: نقش رسانه‌ها در جامعه دموکراتیک

در مورد اهمیت و جایگاه رسانه‌ها و نقش آن‌ها در دموکراسی‌ها، در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تأکیدات بسیار شده است. از جمله می‌توان به کارهای یونسکو، شورای اروپا، اتحادیه اروپا، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه آزادی بیان، کمیته حقوق بشر، جامعه مدنی، و غیره ... اشاره کرد. اما در دهه‌های اخیر نقش قضات به خصوص، در حمایت از رسانه‌ها، به عنوان عنصر مهم جامعه دموکراتیک، جالب توجه است. (معتدناژاد، ۱۳۸۴: ۵۸-۷۰) دیوان اروپایی حقوق بشر،^۱ دیوان‌های قانون اساسی، همچون دیوان عالی فدرال امریکا،

۱. در آراء خود، دیوان اروپایی، از جمله مطالب زیر را می‌آورد: «آزادی بیان یکی از اساس مهم جامعه دموکراتیک است و ... مطبوعات نقش برجسته‌ای در چنین جامعه‌ای ایفا می‌کنند (Fressoz et Roire c/ France, 21 janvier 1999)؛ «آزادی بیان یکی از اساس مهم جامعه دموکراتیک است و تضمین‌هایی که به مطبوعات باید داده شود، از اهمیت بسیار زیاد برخوردارند.

دیوان عالی فدرال آلمان، شورای قانون اساسی فرانسه، دادگاه‌های عمومی کشورهای یادشده، یک‌صدا و هماهنگ، در طول زمان، بر اهمیت رسانه‌ها و ضرورت حمایت از آزادی آن‌ها، در جامعه دموکراتیک، توافق نظر داشته‌اند. گرچه محدودیت‌هایی نیز برای آن‌ها در نظر گرفته‌اند. (Conseil Constitutionnel, Decisions du 27 juillet 1982)

بند چهارم: مسئولیت رسانه‌ها

در کنار ضرورت حمایت از رسانه‌ها در جوامع دموکراتیک، بر مسئولیت آن‌ها نیز تأکید می‌شود. (معتد نژاد و معتد نژاد، ۱۳۸۶: ۴۴۱) بسیار حائز اهمیت است که رسانه‌ها، واقع‌بین، بی‌طرف، صادق، دارای کیفیت و اعتبار بالا، آزاد از هر نوع فشار، مسئول، و غیره باشند. از راه‌های رسیدن به روزنامه‌نگاری مسئولانه، می‌توان به ابزارهای خود مقررات‌گذاری، یا همان خودتنظیم‌دهی، و از جمله تدارک قواعد انضباطی و منشور اخلاقی، پیروی از یک خط تحریریه‌ای مشخص، داشتن استقلال تحریریه‌ای، ایجاد شوراهای رسانه‌ای مستقل با اختیاراتی وسیع، با بُعد نظارتی، و حتی تنبیهی و غیره ... اشاره کرده است.

گفتار دوم: ضرورت مقررات‌گذاری برای رسانه‌ها

در دولت‌های قانونمند، فعالیت‌های رسانه‌ای همانند دیگر فعالیت‌های اجتماعی، باید ضرورتاً از چارچوب‌های حقوقی تبعیت کنند.

بند یکم: «انتشار»: «موضوع» حقوق رسانه‌ها

تمامی فعالیت‌های رسانه‌ای، از جمله مطبوعات، کتاب، آفیش، رادیو، تلویزیون، سینما، ارتباطات باعموم مردم از طریق اینترنت،... دارای یک عنصر واحد و مشترک هستند و آن عنصر «انتشار» است. رسانه‌ها وسیله‌ای برای انتشار هستند و دقیقاً در حقوق رسانه‌ها، مفهوم «عمومی شدن»، یا انتشار، یا تبلیغات، جایگاه محوری دارد.

بعضی حتی، پیشنهاد می‌دهند که به جای حقوق رسانه‌ها، از «حقوق انتشار» صحبت به میان آید. (Derieux, 2010:29) بنابراین، عنصر «انتشار» در حقوق رسانه‌ها از جایگاه خاصی برخوردار بوده و حول آن است که دیگر قواعد موجود، شکل و انسجام می‌گیرند.

بند دوم: ضرورت مقررات گذاری برای رسانه‌ها در دولت قانونمند ارتباطات جمعی از طریق رسانه‌ها، ناگزیر باید تابع مقرراتی باشد. در دولت‌های قانونمند، مقررات وسیله‌ای برای رسیدن به تعادل صحیح، میان حقوق افراد است. (Derieux, 2010:31) حقوق، حافظ استقلال و آزادی رسانه‌ها است آن‌ها را از فشارهای سیاسی و فشارهای قدرت‌های مالی، مصون می‌دارد.

طبیعتاً آزادی بدون محدودیت وجود ندارد؛ که البته دامنه محدودیت‌ها در مقابل سوءاستفاده‌های احتمالی از آزادی، رسمی و علنی هستند و برای همگان، یکسان اعمال می‌شوند. ازجمله عناصر دولت قانونمند، می‌توان به عناصر زیر اشاره کرد: برتری قوه مؤسس، کنترل قوای تأسیس شده، وجود سلسله‌مراتب میان قواعد حقوقی، وجود قوانین با کیفیت، قابل دسترس و قابل پیش‌بینی، تبعیت ادارات از مجموعه قواعد تشکیل‌دهنده نظام حقوقی، وجود تکرر، تسامح و روح جهان‌بینی، دسترسی به دادگاه، قوه قضاییه مستقل، دادرسی منصفانه و غیره ...

بند سوم: سیاست گذاری، حتی مهم‌تر از قانون گذاری

ارجح‌تر از قانون گذاری برای رسانه‌ها، سیاست گذاری است. برای رسیدن به حقوق رسانه‌ای مطلوب، باید بر نقش آن‌ها تأمل بیشتری کرد. نه تنها ویژگی‌شان و نقش سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها را در دموکراسی، بلکه محدودیت‌ها و موانع کارشان را نیز باید مورد نظر قرار داد.

به عبارت دیگر، قبل از تدارك چارچوب حقوقی برای رسانه‌ها، نیاز هست که سیاستی اتخاذ شود و سؤالاتی از این قبیل مطرح شوند. برای رسانه‌ها، چه اهدافی، چه نقشی، چه امکاناتی، چقدر آزادی و غیره...، قرار است در نظر گرفته شوند. (Derieux, 2010:38)

گفتار سوم: حقوق رسانه‌ها: از حقوق سرزمینی تا حقوق فراملی هماهنگ

ریشه‌های حقوق رسانه‌ها، به قرن هجدهم برمی‌گردد، هنگامی که مطبوعات رونق گرفته و کشورهای همچون انگلستان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا، نیاز به مقررات گذاری برای آن را احساس کردند. سپس، در اواخر قرن نوزدهم، سینما ظهور کرد و بعد از آن در اوایل

و اواسط قرن بیستم به ترتیب رادیو و تلویزیون به خانه‌ها راه پیدا کردند و در نتیجه اینجا نیز همان کشورها به چارچوب گذاری پرداختند؛ بنابراین حقوق رسانه‌ها، قدمت زیاد دارد.

بند یکم: هماهنگ شدن حقوق رسانه‌ها و نقش حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم و به دنبال شکل‌گیری سازمان‌های فراملی، بین‌المللی و منطقه‌ای، توجه جامعه بین‌المللی، به موضوع حقوق بشر و از جمله به آزادی مطبوعات و جایگاه رسانه‌ها، معطوف می‌شود. (معمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۸۶: ۴۴۴) امروز، بعد از گذشت بیش از نیم‌قرن از آن تاریخ، در نتیجه تلاش‌های سازمان‌هایی، همچون سازمان ملل، یونسکو، شورای اروپا، اتحادیه اروپا و غیره ...، حقوق رسانه‌ها، در دولت‌های قانونمند، به تدریج به یکدیگر نزدیک و در بسیاری از زمینه‌ها با هم هماهنگ شده‌اند.

غالب شدن یک ایدئولوژی مشترک در سطح جهانی (Chevallier, ۱۹۹۴: ۳۳) و شکل‌گیری و انتشار مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات، طبیعتاً بر نظام حقوقی رسانه‌ها تأثیر گذاشته است. این ایدئولوژی، ترویج‌دهنده مدل‌های اقتصادی، سیاسی و حقوقی است. (Chevallier, ۱۹۹۴: ۳۲) تأکید بر برتری مکانیسم‌های بازار، مزایای آزادی رقابت، آثار مثبت باز شدن مرزها، و گسترش تبادلات اقتصادی تجاری دارد. از سوی دیگر، اعتقاد بر دموکراسی لیبرال دارد. و در نهایت «دولت قانونمند» را به عنوان یک استاندارد بین‌المللی پیشنهاد می‌دهد.

تحت تأثیر ایدئولوژی یادشده، اکثر نهادها، چه در سطح داخلی (از قوای مقننه گرفته تا قوای قضائیه و دیوان‌های قانون اساسی)، چه در سطح منطقه‌ای (شورای اروپا، اتحادیه اروپا، سازمان دولت‌های امریکایی)، و چه در سطح بین‌المللی (سازمان ملل، یونسکو، اتحادیه ارتباطات دور، کمیته حقوق بشر، گزارشگر ویژه آزادی بیان، و غیره ...)، موضع نسبتاً واحد و هماهنگ در مورد رسانه‌ها دارند. در نتیجه، در دل این فضاها، حقوقی متعدد و متنوع، از داخلی گرفته تا منطقه‌ای و بین‌المللی، یک همسویی در این زمینه به وجود آمده است. در میان ارگان‌های فوق، بعضی نقش پررنگ‌تری در ارتقا و در هماهنگ کردن حقوق رسانه‌ای کشورها داشته‌اند. (معمدنژاد، ۱۳۹۲: ۱۵) که در این بین می‌توان به خصوص به نقش

دادگاه‌های منطقه‌ای، دادگاه‌های داخلی، دیوان‌های قانون اساسی اشاره کرد. (همان) بی‌دلیل نیست که از نقش کلیدی «قاضی» در دولت قانونمند صحبت به میان می‌رود. او است که حامی شهروندان در مقابل سوءاستفاده‌ها از قدرت، و همچنین حامی نظام حقوقی در مقابل خدشه‌هایی است که ممکن است به آن وارد بیایند. (Chevallier, ۱۹۹۹: 65) در اینجا البته قاضی مستقل و با صلاحیت، مورد نظر است.

بند دوم: حقوق رسانه‌ها مبتنی بر مجموعه اصول بنیادی بازگشت‌ناپذیر

بررسی اسناد و متون متعددی همچون معاهدات حقوق بشری، قوانین اساسی، آراء صادره توسط دادگاه‌های داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی، گزارش‌ها و پیشنهادها متعدد، اعلامیه‌ها، و توصیه‌نامه‌های نهادهای تقنینی، مشورتی، و غیره ... حاکی از آن است که حقوق رسانه‌ها، دیرزمانی است که مبتنی بر دو اصل بنیادی، آزادی رسانه‌ها از یک‌سو، و حق بر اطلاعات، از سوی دیگر است. اصول دیگری که منشعب از دو اصل یادشده هستند، را نیز می‌توان از این پس به عنوان اصول مکاتبه و بازگشت‌ناپذیر تلقی کرد.

الف - اصول بنیادی مشترک: حقوق رسانه‌ها، چه در سطح داخلی، و چه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، مبتنی بر دو اصل بنیادی است. این اصول به ترتیب، آزادی رسانه‌ها و حق بر اطلاعات را در برمی‌گیرند. (Derieux, ۱۹۹۹: 37)

۱- آزادی رسانه‌ها:

تعداد بی‌شماری از قواعد و مقرراتی که حقوق داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات را تشکیل می‌دهند، بر اساس اصل آزادی تدوین شده‌اند. منظور، اصل آزادی با مفهوم لیبرالی سُنّتی آن است. یعنی آزادی استقلال یا همان آزادی عمل.

در اینجا، آزادی رسانه‌ها دارای دو بعد است: آزادی بیان و لیبرالیسم اقتصادی

اول- اصل آزادی بیان: در سطح‌های منطقه‌ای (اروپایی) و بین‌المللی، همانند سطح داخلی کشورهای تكثرگرا، اصل آزادی بیان یا آزادی ارتباطات، اساس حقوق ارتباطات به شمار می‌رود. در زمینه مذکور، از یک‌سو بر این اصل تأکید شده، و از سوی دیگر ضرورتاً محدودیت‌هایی برای آن در نظر گرفته می‌شوند. اصل یادشده، به‌خصوص در سطح داخلی

و منطقه‌ای، از ارزش حقوقی والایی برخوردار است.

-تأکید بر این اصل: در سطح داخلی، در چارچوب دولت‌های قانونمند، قوانین اساسی، قوانین عادی، و رویه‌های قضایی، جایگاه مهمی به اصل آزادی بیان و مشتقات آن، آزادی مطبوعات، آزادی رادیو-تلویزیون و غیره... اختصاص داده‌اند. در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز، نه تنها متون حقوقی معروف، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، بلکه رویه قضایی نیز بر اصل یادشده تأکید دارد.

-محدودیت‌های این آزادی: با وجود مطالبی که گفته شد، آزادی بیان، آزادی مطلق نیست و می‌تواند، حتی در شرایط عادی، محدود شود. البته دولت‌های قانونمند، در این زمینه چارچوب‌های خاصی را در نظر گرفته‌اند. (Sudre, 2012: 221) به موجب رویه قضایی، این محدودیت باید توسط قانون پیش‌بینی شده باشد، هدف مشروعی را دنبال کند، در «جامعه دموکراتیک»، ضرورت داشته باشد، و با هدف مشروع عنوان شده، «تناسب» داشته باشد.

دوم: اصل لیبرالیسم اقتصادی اصل «لیبرالیسم اقتصادی» که عمدتاً جایگاه مهمی در حقوق اروپا و به خصوص اتحادیه اروپایی دارد، می‌تواند تأثیرات مهمی بر ساختار رسانه‌ها داشته باشد. این اصل از طریق متون حقوقی در سطح اتحادیه، اعلان شده است. سپس رویه قضایی دیوان دادگستری، به روشن کردن مفهوم و چارچوب آن پرداخته است. البته این اصل نیز، مانند هر آزادی دیگری دارای محدودیت‌هایی است. چرا که نباید از آن سوءاستفاده شود یا با دیگر حقوق و منافع در تضاد باشد.

۲- حق بر اطلاعات: از آزادی شکلی تا آزادی واقعی

مفهوم لیبرالی که از آزادی یا همان آزادی «استقلال» همیشه وجود داشته، به معنای عدم دخالت مقامات دولتی بوده است. آزادی مذکور، در حقوق ارتباطات، به این معنا است که افراد بتوانند آزادانه عقاید خود را بیان کنند، یا به هر حال به فعالیت مورد دلخواه خویش بپردازند. در مقابل آن، افراد برای دریافت این عقاید و اطلاعات نیز آزاد هستند.

اکثر متون حقوقی که در سطح منطقه‌ای و یا در سطح بین‌المللی به رسانه‌ها اختصاص یافته‌اند، تحت تأثیر دیدگاه لیبرالی هستند. اگرچه اصل آزادی، بسیار حائز اهمیت است،

اما از سویی دارای محدودیت‌هایی است و از سوی دیگر همیشه جنبه ملموس و واقعی پیدا نمی‌کند. این موضوع در مورد ارتباطات و رسانه‌ها نیز کاملاً صدق می‌کند. اما، این خطر وجود دارد که آزادی‌های اعلان شده، تنها جنبه شکلی داشته باشند و به اجرا درنیایند.

به همین جهت، برای تحقق هر چه بیشتر آزادی، تحقق واقعی‌تر آن و ازجمله آزادی بیان، حقوقدانان بر این اعتقاد هستند که می‌توان از مفهوم دیگری کمک گرفت و آن مفهوم چیزی جز «حق بر اطلاعات» نیست. اصل «حق مردم بر اطلاعات، فرهنگ، آموزش و معرفت»، در تعداد زیادی از متون حقوقی، که تشکیل‌دهنده حقوق داخلی، حقوق منطقه‌ای و حقوق بین‌المللی ارتباطات هستند، به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم، پیش‌بینی شده است.

ب- دیگر ضوابط بازگشت‌ناپذیر منبعث از اصول بنیادی: به‌منظور تحقق هر چه بهتر دو اصل بنیادی یادشده، دولت‌های قانونمند، در طول زمان، دیگر اصول و ضوابط را وارد حقوق رسانه‌ای خود کرده‌اند. اصول و ضوابطی که در دل نهادهای متعدد، داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، رفته‌رفته شکل گرفته، و بر آن‌ها تأکید شده است. در نتیجه حول دو اصل پایه در حقوق ارتباطات، یعنی آزادی بیان و حق بر اطلاعات، مجموعه‌ای از اصول، «بلوک» مانند، وجود دارند که به لحاظ اهمیت‌شان برای منافع عمومی، در سطح جهانی شناخته شده و غیرقابل بازگشت‌اند.

بند سوم: حقوق رسانه‌های سنتی و اهداف آن

از قرن هیجدهم تاکنون، حقوق رسانه‌ها، در دولت‌های قانونمند، مراحل بسیاری را طی کرده، متحول شده و قوام پیدا کرده است. چارچوب‌ها، ملاک‌ها و ضوابط، در فضای رسانه‌ای سنتی، مشخص و واضح هستند. ازجمله اهداف و دغدغه‌های این شاخه از حقوق، ایجاد همزیستی لازم میان حقوق متضاد در فضای ذکر شده، سعی در حمایت از حقوق مردم، ازجمله حق مطلع شدن از اطلاعات، حمایت از فرهنگ، زبان، هویت ملت‌ها، و غیره ... بوده است.

در صورتی که عملکرد فضای رسانه‌ای، در راستای حقوق مردم نباشد، مسئولیت دولت‌هاست، ازجمله قوای مقننه و مجریه، که راه‌حل سیاسی و قانونی مناسب را جستجو

کنند. به همین منظور است که به دولت‌ها توصیه می‌شود که به صورت دوره‌ای، وضعیت رسانه‌هایشان را ارزیابی کنند. (Wodarg, 2008: 22)

بخش دوم: حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات (یا حقوق دیجیتال)

انقلاب دیجیتال و دگرگونی‌های تکنیکی، لزوم دگرگونی‌های حقوقی را نیز به دنبال آورده است. (Le Conseil d'Etat, 2015: 7) دسته‌بندی‌های حقوقی، مقوله‌های حقوقی، همه و همه باید مورد بازنگری قرار بگیرند. ابزارهای جدید، منطبق با قدرت دیجیتال، باید تدارک دیده شوند. انقلاب یادشده، چالشی برای حقوق به شمار می‌رود. (Le Conseil d'Etat, 2014: 5)

گفتار یکم: تکنولوژی‌های دیجیتال

از پدیده دیجیتال، به عنوان «انفجار» و «انقلاب» یاد می‌شود. چرا که با خود، دگرگونی‌های تکنیکی، اقتصادی و اجتماعی، به همراه آورده است. فضای به وجود آمده، یا همان فضای دیجیتالی، محل بروز تضادها است. (معتد نژاد، ۱۳۸۷: ۳۱۰) جایی که هنوز ناشناخته‌ها بسیارند.

بند یکم: فضای دیجیتال و ویژگی‌های آن

اینترنت، فضایی غیرمتمرکز، فرامرزی، مشارکتی و تعاملی را به وجود آورده است. از آن به عنوان یک «منبع عمومی جهانی». (Le Conseil d'Etat, 2014: 8)، «کالا یا متعلقات عمومی» با ارزش «خدمت عمومی» (Le Conseil de L'Europe, 2014: 4)، با ابعادی جهان‌شمول، یاد می‌شود. تعدد و تکثر، از خصوصیات قابل ذکر در فضای به وجود آمده است. تعدد دست‌اندرکاران، تعدد محتواها، تعدد منافع، تعدد تنظیم‌گری‌ها و غیره.... فضای نوین، ارتباطات اجتماعی را از یک سو، و ارتباطات مسئولین و شهروندان را از سوی دیگر، متحول ساخته است.

بند دوم: فضای دیجیتال : محل تضادها

فضای دیجیتال، محل تضادهای بسیار است و اساساً همین موضوع است که حقوق‌دانان را

با چالش بسیار، روبه‌رو ساخته است. از یک سو، «پتانسیل‌های» بسیار دارد، و از سوی دیگر، خطرهای و تهدیدات گوناگون به همراه می‌آورد.

الف - پتانسیل‌های پدیده دیجیتال

این پتانسیل‌ها، متنوع و گوناگون هستند (8: Etude precitee du Conseil d'Etat, 2005) از بُعد حقوق بشری، تکنولوژی‌های نوین، نه تنها موجب تقویت بعضی حقوق می‌شوند، از جمله آزادی بیان، آزادی تجمعات، آزادی فعالیت‌های اقتصادی، بلکه موجب شده‌اند، حقوق جدیدی به رسمیت شناخته شوند، از جمله حق برخوردار شدن از حمایت داده‌ها، و به صورت خاص‌تر، حق تعیین سرنوشت اطلاعاتی، حق دسترسی به اینترنت، حق دسترسی به پهنای باند، اصل بی‌طرفی اینترنت، برخورداری از موجودیت دیجیتالی برای شرکت‌ها، و غیره....

اما تکنولوژی‌های یادشده، نه تنها در خدمت حقوق فردی، بلکه در خدمت منافع عمومی نیز باید گذاشته شوند. با به رسمیت شناختن جنبه خدمت عمومی اینترنت، حتی برای دولت‌ها وظایف مثبت در نظر گرفته شده است. (Recommandation Precitee du Conseil de L'Europe, 2007: 11)

ب - تهدیدها در فضای دیجیتال

امروزه با انفجار داده‌ها و انتشار آن‌ها در فضایی بدون مرز مواجه هستیم. سوءاستفاده از داده‌ها، توسط افراد سودجو، شرکت‌های خصوصی، حتی دولت‌ها به بهانه حفظ نظم عمومی، خطر بزرگی برای حقوق و آزادی‌های افراد محسوب می‌شود. از جمله دیگر تهدیدات برای حقوق و امنیت افراد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تعرض به زندگی خصوصی، خدشه به حیثیت افراد، سوءاستفاده از هویت آن‌ها، کلاهبرداری، سوءاستفاده جنسی از کودکان، تقلب مارک، تقلب، و غیره....

بند سوم: فضای دیجیتال : محل رقابت‌ها

فضای دیجیتال، و پدیده هم‌گرایی، موجبات رقابت‌های متعدد و متفاوت را به همراه آورده است، از جمله رقابت‌های اقتصادی، حقوقی، استراتژیکی و سیاسی، و غیره.... در این

ن، اروپایی‌ها سخت به تکاپو افتاده‌اند تا بتوانند، در زمینه‌های یادشده، در مقابل سیطره آمریکایی‌ها، مقابله کنند. به‌منظور حمایت از شهروندان‌شان، و همچنین حفظ «ارزش‌هایشان» در فضای نوین، به تجدیدنظر در قوانین داخلی و منطقه‌ای پرداخته‌اند.

گفتار دوم: راه‌کارهای رسیدن به «تعادل» میان منافع متعدد و متضاد

در فضای دیجیتال، منافع متعدد و گاه متضاد، در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. ازجمله منافع کاربران و شهروندان از یک‌سو، منافع اُپراتورها از سوی دیگر. به عبارت دیگر، و فراتر از این‌ها، منافع عمومی و منافع خصوصی. حال چگونه می‌توان میان منافع گوناگون، ایجاد تعادل کرد. به‌خصوص در فضایی که ناشناخته‌ها هنوز بسیارند.

بند یکم: راهکارهای حقوقی

در مورد فضای نوین، نمی‌توان دست روی دست گذاشت و اقدامی نکرد. نیاز هست که از طریق حقوق، و در نهایت زیر نظر قضات، اقدامات لازم برای چارچوب نهادن‌ها انجام شوند. (Sauve, 45:؟؟؟؟)

الف - نقش دولت‌ها در رسیدن به تعادل

با اینکه امروزه، در عصر جهانی‌شدن، از کاهش قدرت و توان عمل دولت‌ها صحبت می‌شود، کماکان، دولت‌ها هستند که تنظیم‌گر روابط اجتماعی و جریان‌های اقتصادی، و تضمین‌گر حقوق بنیادی افراد، از یک‌سو، و نظم عمومی از سوی دیگر هستند. در نتیجه، چه در فضای فیزیکی، چه در فضای دیجیتال، همچنان نقش دولت‌هاست، که از طریق حقوق، و در نهایت زیر نظر قضات، میان منافع گوناگون، ایجاد همزیستی و تعادل بکنند. اما به دنبال دگرگونی‌های دیجیتالی، حقوق نیز باید دگرگون شده (Ibid) و خود را با تحولات ایجادشده منطبق سازد.

۱ - نیاز به منطبق ساختن حقوق: فضای نوین، هم‌زمان محل فرصت‌ها و محل تهدیدهاست. در دولت‌های قانونمند که دغدغه حقوق و آزادی‌های افراد را دارند، اول نقش قانون‌گذار است که فرصت‌ها را تحقق بخشیده و تهدیدها را از میان بردارد. از آنجایی که چارچوب‌های

حقوقی گذشته دیگر جوابگو نیستند در نتیجه نیاز به بازنگری (Ibid) در قوانین است. به طور نمونه، کشورهای اروپایی، اول در سطح داخلی، و به موازات آن در سطح منطقه‌ای (اتحادیه اروپا)، به موجب اصل ثانویت^۱، به طور فعال، اقدام به بازنگری در قوانینشان کرده‌اند.

۲- دامنه اجرای ابزارهای حقوقی جدید: بعد از این که حقوق مورد بازبینی قرار گرفت و انطباق‌های لازم انجام پذیرفتند، موضوع اجرای آن و دامنه این اجرا، باید مشخص شود. در فضای دیجیتالی که فرامرزی است، بیم این می‌رود که چارچوب‌های حقوقی به مورد اجرا در نیایند. شک و تردیدها در مورد اینکه قانون کدام کشور اعمال و صلاحیت کدام دادگاه احراز می‌شود، منشأ عدم امنیت حقوقی است. نکند که حمایت‌های ملی، عملاً به اجرا در نیایند. به همین منظور دولت‌های یادشده، تلاش کرده‌اند دامنه اعمال بعضی از چارچوب‌های یادشده را گسترش داده، تا اطمینان حاصل شود که محقق و ملموس خواهند شد.

ب - نقش « قاضی » در ایجاد تعادل میان حقوق متضاد

با توجه به خلأهای حقوقی متعدد در مورد فضای نوین، به نظر می‌رسد که نقش قضات در شکل دادن به چارچوب‌های حقوقی در سال‌های اخیر بسیار پررنگ بوده است. در دولت‌های قانونمند، چه در سطح داخلی، چه در سطح منطقه‌ای، قضات بوده‌اند که به اختلافات در فضای نوین رسیدگی کرده و در این جریان، پیش رو تراز قانون‌گذاران، به مجموعه از اصولی در فضای دیجیتال موجودیت بخشیده‌اند. به طوری که به هنگام قانون‌گذاری، آراء صادر شده توسط مقامات یادشده، که بعضی بسیار معروف هم شده‌اند، مورد نظر قرار گرفته‌اند.

پ - نقش «تنظیم‌گری» نهادهای حمایت‌کننده از داده‌ها

در کنار قانون‌گذار و قاضی، نقش مقام حمایت‌کننده از داده‌های شخصی، در حفظ نظم و ایجاد تعادل میان حقوق متضاد در فضای نوین، بسیار حائز اهمیت است. در حقوق اروپایی مربوط به داده‌ها، بر لزوم تأسیس چنین نهادهایی توسط دولت‌های عضو، تأکید شده است. (Agence des Droits Fondamentaux de L' Union Europeenne, 2014 : 200)

به منظور حمایت از داده‌ها، نهادهای فوق، که به صورت «نهادهای مستقل» هستند، از اختیارات

1. Principe de Subsidiarite.

متعدد و متنوعی برخوردار شده‌اند.

در کنار ابزارهای حقوقی، ابزارهای غیرحقوقی نیز به کار می‌گیرند و از همین روست از این‌ها، به عنوان مقامات «تنظیم‌گر»، نام برده می‌شود.^۱ متشکل از افراد متخصص، به صورت روزمره با مسائل گوناگون مربوط به داده‌ها سروکار داشته، به شکل دادن به اخلاق دیجیتال همت می‌گمارند.

ازجمله می‌توان به «کمیسیون ملی انفورماتیک و آزادی‌ها»^۲ در کشور فرانسه اشاره کرد. در سطح منطقه‌ای نیز، زیر نظر کمیسیون اتحادیه اروپا، نهادی معروف به «گروه ۲۹»، که نقش مشورتی داشته و متشکل از تمامی مقامات حمایت از داده‌های دولت‌های عضو است، در جهت ارتقاء حمایت از داده‌ها، فعالیت می‌کند. (Sommet mondial sur La Societe de L'information, Declaration de Geneve, 2003)

ت- نقش دیگر نهادهای «تنظیم‌گر»:

در فضای نوین، به‌منظور چارچوب‌گذاری‌های ضروری و ایجاد تعادل میان حقوق متضاد، نهادهای دیگری، در سطوح داخلی، با نقش «تنظیم‌گری»، پیش‌بینی شده‌اند. ازجمله در حوزه ارتباطات الکترونیکی، نقش اساسی مقام تنظیم‌گر، نظارت بر اعمال اصل رقابت، به صورت مؤثر و شرافتمندانه، میان اپراتورها، با در نظر گرفتن منافع مردم است.

بند دوم: راه کارهای غیرحقوقی

برای ایجاد تعادل میان حقوق متضاد، در فضای نوین که فرامرزی است، چارچوب‌های

۱. چنین نهادهایی اولین بار توسط آمریکایی‌ها، تحت عنوان Independent Regulatory Agencies تأسیس شدند. اروپایی‌ها نیز بعدها از آن‌ها تقلید کردند. نهادهای فوق که زیر نظر یا مقتنه (مانند امریکا)، یا معجریه (مانند فرانسه)، هستند، از استقلال زیادی برخوردارند. تنظیم‌گری اقتصاد بازار یا حمایت از آزادی شهروندان، از اختیارات مهم این‌هاست. به این منظور از امکانات وسیعی، همچون مقررات‌گذاری، اعطا حق، نظارت، حل اختلاف و نیز مجازات، برخوردار هستند (شوالیه ژاک، «دولت پُست مدرن»، همان، صص ۶۲)

2. Commission Nationale de L'Informatique et des Libertes (CNIL). (www.cnil.fr)

حقوقی به تنهایی جوابگو نیستند.

نیاز به دیگر راه‌کارها هست. راه‌کارهای غیرحقوقی که بتوانند در جهت برقراری تعادل مناسب، نقش ایفا کرده و مانع از بروز اختلافات شوند. و در صورتی که اختلافی به وجود آمد، از طریق میانجیگری حل گردد.

از جمله تمهیدات که می‌توان در نظر گرفت، آموزش کاربران و تقویت توان آن‌ها در فضای نوین، آموزش و ترغیب دست‌اندرکاران خصوصی به رعایت حقوق کاربران، ارتقای آموزش شهروندی جهانی در راستای پاسخ به چالش‌های اخلاقی در فضای نوین، و غیره... هستند. Conseil de L'Europe, "Guide des droits de L'Homme pour Les Utilisateurs" (d'internet, 2014 :3) در این میان، دولت‌ها، مقامات حمایت از داده‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، جامعه مدنی و غیره... می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند.

گفتار سوم: مجموعه اصول بنیادی حاکم در فضای نوین

با وجود اینکه از شکل‌گیری فضای نوین اطلاعات و ارتباطات، دیرزمانی نمی‌گذرد، می‌توان گفت از این‌پس مجموعه اصول بنیادی در آن حاکم شده‌اند، که در میان این‌ها، بعضی بازگشت‌ناپذیر هستند. از همان ابتدا، اصرار بر این بوده است، فضای یادشده، استوار بر مفاهیمی همچون دولت قانونمند، دموکراسی و حقوق بشر باشد.

با تکیه بر این مفاهیم است که بر اعمال حقوق بین‌الملل بشر در آن تأکید شده است. همچنین، با استناد به مفاهیم فوق است که، در دولت‌های قانونمند، قضات، حتی قبل از قانون‌گذار، به اصولی بازگشت‌ناپذیر در فضای نوین شکل داده‌اند. (Commissaire aux droits de L' Homme, Conseil de L'Europe, 2014 :9)

بند یکم: فضای نوین و اعمال حقوق بین‌الملل بشر

با شکل‌گیری فضای نوین و به دنبال تشکیل اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی، طی دو مرحله، به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۳ در ژنو و ۲۰۰۵ در تونس، سران جهان یک‌صد و بر ضرورت اعمال حقوق بین‌الملل بشر در جامعه اطلاعاتی تأکید کردند. (Declaration de Principes de Geneve, Precitee 2003, 9)

گرچه قبل از آن، در سازمان‌های دیگر نیز بر این موضوع تأکید شده بوده، از جمله در یونسکو و شورای اروپا. به بیان دیگر، فضای نوین، فضایی فارغ از وظایف و مسئولیت‌ها نیست و مفاهیمی همچون «دولت قانونمند»، یا «برتری حقوق»، در آن باید اعمال شوند. تمامی متون مربوط به حقوق بین‌الملل بشر، از جمله منشور سازمان ملل متحد ۱۹۴۵، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و غیره... و در سطوح منطقه‌ای، متون منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر نیز، قابل اعمال هستند.

بند دوم: قضات و مجموعه اصول بنیادی

در سال‌های اخیر، تحت تأثیر تلاش قضات، رفته‌رفته، مجموعه‌ای از اصول بنیادی، در فضای نوین شکل گرفته‌اند. قضات مستقلی که در دولت‌های قانونمند، بر حقوق داخلی، حقوق منطقه‌ای و حقوق بین‌الملل بشر اشراف داشته، پتانسیل‌های تکنولوژی‌ها از یک سو، و خطرات آن‌ها، از سوی دیگر را، می‌شناسند. به هنگام، مواجهه‌شدن با ادعاهای متضاد، سعی بر ایجاد تعادل صحیح میان این‌ها می‌کنند و در رهگذر همین آراء صادره است که به مجموعه اصول بنیادی، موجودیت بخشیده‌اند.

الف - حق برخورداری از حمایت داده‌ها.

این حق که در گذشته به عنوان جزئی، از حق برخورداری از زندگی خصوصی محسوب می‌شده، امروزه به عنوان حقی مستقل، شناخته شده است. حتی مفهوم جدیدی تحت عنوان «حق تعیین سرنوشت اطلاعاتی»، به کار برده می‌شود. نه به عنوان حق جدیدی که به دیگر حقوق موجود اضافه می‌شود، بلکه به عنوان مفهومی که به آن‌ها، از جمله حق دسترسی به اینترنت، حق اصلاح داده‌ها، حق مطلع شدن از سرنوشت داده‌ها و غیره...، معنا می‌بخشد.

ب - حق دسترسی به اینترنت

اولین بار، دیوان عالی ایالات متحده آمریکا است که در این زمینه رأی صادر کرده، حق دسترسی به اینترنت را به عنوان محقق‌کننده آزادی بیان به رسمیت می‌شناسد. (Reno, 1997: 12) شورای قانون اساسی کشور فرانسه نیز، حق دسترسی به اینترنت را طی رأی صادره در ۱۰ ژوئن سال ۲۰۰۹، به رسمیت می‌شناسد.

پ - اصل بی طرفی اینترنت

مفهوم «بی طرفی اینترنت»، که اولین بار در سال ۲۰۰۳ توسط حقوقدان آمریکایی «تیم وو» مطرح می‌شود^۱، اصلی پایه در فضای نوین محسوب می‌شود. دیگر اصول، همانند حق دسترسی به اینترنت محقق نمی‌شوند اگر اصل بی طرفی رعایت نشود. به بیان دیگر، در دسترسی افراد و شرکت‌ها به اینترنت نباید تبعیض باشد و اصل برابری باید رعایت شود. در نتیجه، اپراتورها ملزم به رعایت این اصل شده‌اند. این‌ها باید با تمامی جریان داده‌ها، بدون توجه به محتوای آن‌ها، رفتار برابر داشته باشند.

ت - حق بر فراموشی

دادگاه اتحادیه اروپا طی رأی ۱۳ مه سال ۲۰۱۴، «حق بر فراموشی» با عنوان دیگری، «حق بر فراموشی» برای افراد را به رسمیت می‌شناسد. از این پس، هر فردی قاعداً می‌تواند از موتور جستجو بخواهد بعضی اطلاعات را که مربوط به وی می‌شود، حتی اگر اطلاعاتی باشند که به او خدشه‌ای وارد نمی‌کنند، منتشر نکند. (La Cour de Justice de L' Union Europeenne, 2014: 2)

با استناد به دستورالعمل مصوب ۱۹۹۵ در مورد حمایت از داده‌ها، که اکنون در دست تجدید نظر است (La Directive du 24 Octobre 1995 Relative a La Protection des donnees, 2012: 7)، دادگاه فوق ابزار حقوقی جدیدی را تدارک دیده است.

ث - حق برخورداری از موجودیت دیجیتالی

تکنولوژی‌های نوین و دگرگونی‌های اقتصادی که به همراه آورده است، بر حقوق فعالیت‌های اقتصادی تأثیر گذاشته است. با استناد بر اصل آزادی فعالیت‌های اقتصادی، قوانین و رویه قضایی، از این پس حقی تحت عنوان، «برخورداری از موجودیت دیجیتالی» را به رسمیت می‌شناسند، که دارای عناصر گوناگون است، از جمله حق برخورداری از نام دامن، حق ارائه خدمات بر روی اینترنت، حق استفاده از ابزاری همچون تبلیغات، انعقاد قرارداد، و غیره...

1. Conseil d'Etat, op.cit.

بند سوم: دیگر اصول مطرح در فضای نوین

از دیگر اصول پایه که توسط نهادهای متفاوت و متنوع، یا در لابه لای مصوبات، گزارش‌ها، کنفرانس‌ها، و غیره.... بر اهمیت آن‌ها تأکید شده است، می‌توان به اصول زیر اشاره کرد:

اینترنت «منبع عمومی جهانی»؛ اینترنت «خدمت عمومی»؛ راهبری اینترنت در جهت منافع عمومی؛ راهبری چندجانبه، شفاف و دموکراتیک آن؛ ضرورت تضمین اصولی همچون «جهان‌شمولی»، «تمامیت»، و «باز بودن»، «ثبات» و «امنیت»؛ آزادی اینترنت، ضرورت تضمین «جریان آزاد فراملی اطلاعات بر روی اینترنت»، و «اعمال»، «برتری حقوق» و «قانونمندی» در فضای نوین، رعایت ارزش‌های اساسی همچون آزادی، زندگی خصوصی، حقوق دیگران، حقوق کودک، تکرار، تنوع فرهنگی و زبانی، همبستگی، تسامح، صلح، عدالت، کرامت انسانی و غیره....؛ جامعه اطلاعاتی انسان‌محور، همه‌گیر و توسعه‌مدار؛ جامعه اطلاعاتی، جامعه معرفتی، دسترسی به پهنای باند در خدمت توسعه پایدار، برابری زن و مرد، الزام اپراتورهای ارتباطات به رعایت اصل بی‌طرفی اینترنت، الزام موتورهای جست‌وجو و شبکه‌های اجتماعی، به رعایت «اصل شرافت» و غیره.... (Conseil de L'Europe, Com-missaire Aux Droits de L'Homme, 2014: 26)

بخش سوم: حقوق ارتباطات: حقوق جهانی

حقوق ارتباطات، به صورت یک حقوق جهانی درآمده است. (Chevallier, 26:؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟) درحالی‌که در حقوق رسانه‌های سنتی، علائمی از فرایند جهانی شدن حقوق، به چشم می‌خورد، حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، مصداقی از حقوق جهانی بشمار می‌رود. قبل از پرداختن به این مقوله‌ها، لازم است پدیده جهانی شدن و تأثیر آن بر حقوق، توضیح داده شود.

گفتار یکم: حقوق جهانی و ویژگی‌های آن

جهانی شدن، تأثیر بسزایی بر حقوق، و به‌خصوص، بر برخی از شاخه‌های آن، داشته است. حقوق جهانی دارای ویژگی‌هایی است.

بند یکم: جهانی شدن

جهانی شدن که پدیده نسبتاً قدیمی است، بعد از جنگ دوم جهانی با استمرار ادامه می‌یابد، و بعد از آغاز سال‌های ۱۹۹۰ میلادی، شدت گرفته و ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد به طوری که نه از بین‌المللی شدن، بلکه از جهانی شدن، صحبت به میان می‌رود. جهانی شدن، قبل از هر چیز به معنای فرایند باز شدن فضاهای اقتصادی و رشد تبادلات تجاری است. (Chevalli-er, 34: ۱۹۹۹)

اقتصاد جهانی که وارد عرصه جدیدی می‌شود، متشکل از سه عنصر زیر است: ایجاد یک بازار مشترک، تعدد شرکت‌های فراملیتی، و شکل‌گیری مکانیسم‌های تنظیم‌گری جریان اقتصاد. باز بودن‌ها، نه تنها شامل روابط اقتصادی، بلکه شامل روابط اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی نیز می‌شود. ((Ibid))

جهانی شدن که بر حاکمیت دولت‌ها تأثیر گذاشته، آن را کم‌رنگ کرده، بر شدت روابط درهم تنیدگی و تعاملی، میان عناصر تشکیل‌دهنده جامعه بین‌المللی، افزوده، و اقتصاد کشورها را به یکدیگر گره زده، موجبات شکل‌گیری قواعد بازی جدید را فراهم آورده است. (Ibid) جهانی شدن، ظهور بازیگران جدیدی را سبب شده، که از انحصار دولت‌ها بر روابط بین‌الملل کاسته‌اند. بازیگرانی که باز بودن‌های اقتصادی، اجتماعی، و ایدئولوژیکی را موجب شده‌اند و دولت‌ها ناگزیر به کنار آمدن با آن‌ها هستند.

اما پدیده جهانی شدن، از آن‌رو خاص و جالب است که دربرگیرنده فرایندهای زیر است. اول، «فضازدایی»، و «سرزمین‌زدایی»، فعالیت‌ها و مکانیسم‌های اقتصادی اجتماعی. از دومین فرایندهای خاص جهانی شدن، «دولت‌زدایی است». باز شدن فضاهای اقتصادی، فضازدایی فعالیت‌های اجتماعی و غیره....، از توان تنظیم‌گری دولت‌ها کاسته است.

از سومین فرایندهای خاص، توسعه مکانیسم‌های فراملی و درهم‌تنیدگی‌های روزافزون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع امروز است. اما مبحث دیگر، تضادهایی است که در دل پدیده جهانی شدن وجود دارد.

بند دوم : جهانی شدن و تأثیر آن بر حقوق

الف - فشار جهانی شدن بر حقوق

جهانی شدن، فشارهای بسیاری بر حقوق وارد می آورد. این فشار از جانب بازیگران متعدد و جدیدی است که در فضای جهانی، دغدغه های متنوع در سر می پروراند. (Chevalli-34: er,؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟) از توسعه اهدافی همچون تجارت و تبادلات اقتصادی گرفته، تا حمایت از حقوق بشر، ارائه خدمات بر روی اینترنت و غیره...، برای این ها، تکثر سیستم های حقوقی، دولتی بودن حقوق، سرزمینی بودن آن، مانع محسوب می شود.

ضرورتاً، در صدد از میان برداشتن موانع می شوند. از جمله از طریق هماهنگ سازی قواعد و با کاستن از تسلطی که تکثر سیستم های ملی، بر آن ها دارند. اُپراتورهای بزرگ تجارت بین الملل، فشار در جهت هماهنگ سازی قواعد می کنند. تنظیم دهی اینترنت، خارج از حیطه حقوق ملی انجام می پذیرد. حقوق بین الملل کیفری در پی تولید مفاهیم مشترک فراملی است.

ب - ازهم پاشیدگی تنظیم گری حقوقی

پروفسور شوالیه که به کم رنگ شدن نقش دولت ها، در پی دو عامل، بحران دولت رفاه، در اواسط سال های ۱۹۷۰ میلادی، از یک سو، و شدت گرفتن پدیده جهانی شدن بعد از سال های ۱۹۹۰ اشاره می کند، از «متلاشی شدن تنظیم گری حقوقی»، صحبت به میان می آورد. (Che-123: vallier,؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟)

در حالی که در جوامع مدرن، دولت تنها منبع حقوق بوده و یک نظام حقوقی به عنوان مجموعه ای منسجم، مبتنی بر اصل سلسله مراتب، بیشتر وجود نداشته، امروز در عصر پُست مدرنیته، با ظهور بازیگران جدید، شاهد شکل گیری فضا های حقوقی متعدد و متنوع هستیم. در جوامع پست مدرن، دولت دیگر تنها منبع حقوق نیست و در تولید آن با تکثر مواجه هستیم. (Chevallier,؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟: 124)

پ - ایجاد انسجام در نظام حقوقی جهانی

امروزه، همان طور که دیده شد، تنظیم گری حقوقی، توسط بازیگران متعدد، که در

فضاهای حقوقی متفاوت قرار گرفته‌اند، انجام می‌پذیرد. رابطه میان این فضاها دیگر از اصل سلسله‌مراتب پیروی نمی‌کند. هریک منطق و دغدغه خاصی را دنبال می‌کند. وجود کانون‌های متعدد تولید حقوق، ظاهراً یک بی‌نظمی هنجاری را در پی داشته است. حال باید دید که چطور می‌توان در این چشم‌انداز متکثر، نظم و انسجام برقرار کرد.

بند سوم: فرایند جهانی‌شدن حقوق

هنجارهای حقوقی جهانی، بعد از شکل‌گیری، وارد حقوق داخلی می‌شوند. با بررسی این فرایند، می‌توان به خصوصیات و اصالت آن‌ها پی برد.

الف - هنجارهای حقوق جهانی

هنجارها و استانداردهای حقوق جهانی را از سه بعد می‌توان مورد بررسی قرار داد. به لحاظ شکل‌گیری، به لحاظ محتوا، و به لحاظ تأثیر آنچه در حقوق جهانی، بیشتر از هر چیز به چشم می‌خورد، تعدد و تنوع تولیدکنندگان آن است.

دولت‌ها، که محورهای همیشگی تولید حقوق بودند، دیگر نقش مهمی در تولید حقوق جهانی ندارند. به لحاظ محتوایی، در حقوق جهانی طبیعتاً دغدغه‌هایی همچون تسهیل بخشیدن به فرایندها و جریان‌های فراملی، همچون تبادلات اقتصادی وجود دارد. همچنین حقوق جهانی، دیدگاه جدیدی از مفهوم «سرزمین‌ها» دارد.

از طرفی دیگر، از آنجایی که قرار است وارد نظام‌های حقوقی سنتی متعدد و متنوعی شوند، هنجارهای حقوقی جهانی بیشتر به صورت استانداردهای کلی، «مفاهیم باز» هستند. درنهایت، به لحاظ تأثیر نیز، هنجارهای حقوق جهانی دارای اصالت و ویژگی هستند. اول اینکه، مخاطبینشان، افراد عادی، شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، تقسیمات کشوری، و غیره.... هستند.

دوم اینکه، به لحاظ اقتدار و ارزش حقوقی، بیشتر به صورت استانداردهای رفتاری یا هنجارهای توصیه‌ای هستند، گرچه، گاه به صورت الزام‌آور هم درمی‌آیند. در شرایطی حتی نسبت به دیگر هنجارهای حقوقی، در موضع برتر قرار می‌گیرند. بااین حال، هنجارهای حقوق جهانی، یک بلا تکلیفی در سلسله مراتب‌های حقوقی، به دنبال آورده‌اند.

ب - ورود هنجارهای حقوق جهانی به داخل سیستم‌های حقوقی
پدیده جهانی شدن و شکل‌گیری هنجارهای حقوق جهانی، تبعاتی بر نظام‌های حقوقی داشته است. که از جمله و به خصوص، می‌توان این‌ها را به صورت زیر، برشمرد: نفوذپذیری، رقابت، هماهنگ‌سازی.

به عبارت دیگر، جهانی شدن، سیستم‌های حقوقی را در مقابل نفوذ هنجارهای خارجی، آسیب‌پذیر ساخته و توان مقابله و مقاومت این‌ها را در مقابل این پدیده ضعیف کرده است. جهانی شدن، از طرفی دیگر، سیستم‌های حقوقی را به رقابت با یکدیگر واداشته است. به‌طوری‌که تفاوت‌ها و تشابهات، نقاط قوت و نقاط ضعف هریک را نمایان کرده. به‌طوری‌که ترجیح این است که به‌جای مقابله، کشورها به هماهنگی سیستم‌های حقوقی خود تن بدهند. در دل جهانی شدن، جنبشی در جهت هم‌گرایی و نزدیک شدن سیستم‌های حقوقی به یکدیگر وجود دارد، که این البته، یک هم‌گرایی و هماهنگی است، نه یکسان‌سازی. اما، انتشار، جریان و در نهایت ورود و رسوخ هنجارهای حقوق جهانی، به داخل سیستم‌های حقوقی، به شیوه‌های متعدد و متنوع انجام می‌پذیرد. (Auby, 134: ؟؟؟؟؟؟؟؟؟)

بند چهارم: ویژگی‌های بارز حقوق جهانی

هیچ فعالیتی نیست امروزه که تحت تأثیر جهانی شدن نبوده باشد. گرچه در مورد بعضی دامنه‌ها یا فعالیت‌ها که ذاتاً جنبه جهانی دارند، فرایند جهانی شدن حقوق، بیشتر مشاهده می‌شود. از جمله می‌توان به، فعالیت‌ها و واقعیت‌های جهانی، همچون تجارت، محیط زیست، حقوق بنیادی، قراردادهای دولتی، اینترنت و بازارهای مالی، اشاره کرد. اما فرایند یادشده، از موضوعات داخلی و ملی غافل نمانده و به سراغ ساختار عملکرد دولت‌ها یا همان حکمرانی مطلوب نیز رفته است. (Auby, 31: ؟؟؟؟؟؟؟؟؟)

حقوق جهانی، حقوقی فراملی است. بخش اعظم آن، خارج از حیطه دولت‌ها تولید می‌شود. اساساً در پی هماهنگ‌سازی است، و نه یکسان‌سازی. به دنبال نزدیک‌تر کردن نظام‌های حقوقی با استانداردهای مشترک است. حقوقی «مختلط»، «تلفیقی»، و «ترکیبی» است. کاملاً مبتنی بر «تنظیم گری مشترک» است، به این معنا که دو بخش دولتی و خصوصی،

در شکل دادن به آن نقش دارند. در عین حالی که «خودتنظیم‌گری»، از جایگاه مهمی در آن برخوردار است. همچنین، حقوقی استوار بر مجموعه‌ای اصول و ارزش‌هایی است که جامعه بین‌الملل بر آن‌ها تأکید و آن‌ها را پذیرفته است.

با توجه به معیارهایی که برای تعریف حقوق جهانی در نظر گرفته شد، معتقد هستیم که نه تنها حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، حقوق اینترنت، یک حقوق جهانی به شمار می‌رود، که این با توجه به فرامرزی بودن آن، امری کاملاً بدیهی به نظر می‌رسد، بلکه حقوق رسانه‌های سنتی، مطبوعات، سینما، رادیو و تلویزیون، ... نیز، علائمی از حقوق جهانی را داراست. حقوق ارتباطات شاخه‌ای از حقوق بشمار می‌رود که از دیرباز فرایند بین‌المللی شدن و جهانی شدن، بر آن تأثیر گذاشته است.

گفتار دوم: حقوق رسانه‌های سنتی دارای بعضی از ویژگی‌های حقوق جهانی

از دیرباز حقوق رسانه‌های سنتی، خصوصیات حقوق جهانی را دارا بوده. این خصوصیات را می‌توان برشمرد، اما قبل از آن لازم است به لحاظ تاریخی، سیر تحول روند جهانی شدن حقوق یادشده مورد بررسی قرار بگیرد.

بند یکم: سیر تاریخی روند جهانی شدن حقوق رسانه‌های سنتی

این روند را می‌توان در حداقل چهار مرحله، مورد بررسی قرار داد:

الف- اولین مرحله از روند جهانی شدن حقوق رسانه‌های سنتی

قرون هجدهم و نوزدهم. اولین مرحله، برمی‌گردد به ترتیب به قرون هجدهم و نوزدهم، هنگامی که کشورهایی پیش‌قدم شده، اولین چارچوب‌های حقوقی را برای مطبوعات تدارک می‌بینند. اصل آزادی مطبوعات را در قوانین اساسی و سپس در قوانین عادی، پیش‌بینی می‌کنند. سپس «راه طولانی» رسیدن به آزادی مطبوعات و تحکیم آن را، طی می‌کنند.

عناصری که امروزه، به عنوان ارزش‌های جهانی از آن‌ها یاد می‌شود. که از جمله می‌توان به «نشر آزاد روزنامه‌ها بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آن‌ها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط مسئولیت‌های قانونی نشریات

و رسیدگی به تخلفات و جرائم احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیئت منصفه» اشاره داشت، که با «رعایت اصل تعدد و تنوع نشریات از جهت سیاسی و مسلکی و حفظ استقلال آن‌ها در برابر صاحبان ثروت و قدرت»، تحکیم می‌گردد. (معمدنژاد، ۱۳۷۹: ۲۵)

همان‌طور که دیده شد، طی این مرحله نخست، حقوق مطبوعات مورد توجه بوده است، پیشرو بودن بعضی کشورها در شکل دادن به آن، و الهام‌گیری بعضی دیگر، از تجربیات این‌ها.

ب- دومین مرحله از روند جهانی‌شدن حقوق رسانه‌های سنتی: از اواخر قرن نوزدهم تا پایان جنگ دوم جهانی

این مرحله شاهد رویدادهای متعددی بوده است: از پیشرفت شگرف تکنولوژی گرفته، از جمله تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات (تلفن، تلگراف، سینما، رادیو، تلویزیون، و غیره)، تا به وقوع پیوستن دو جنگ جهانی، امضای قرارداد صلح ورسای (در سال ۱۹۱۹)، تأسیس «جامعه ملل» در همان سال، قوت گرفتن روابط بین‌المللی و غیره...

«مناسبات و مبادلات گسترده جهانی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، علمی، و فنی، خودبه‌خود، نقش بین‌المللی وسایل ارتباطی را که ابزارهای مهم این مناسبات و مبادلات‌اند، برجسته‌تر و حساس‌تر می‌کنند». (معمدنژاد و معمذنژاد ۱۳۸۴: ۳۱۷)

پ - سومین مرحله از جهانی‌شدن حقوق رسانه‌های سنتی: از پایان جنگ دوم جهانی تا ظهور اینترنت

با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی، به‌منظور تحقق اهدافی همچون تحکیم، تقویت همکاری میان کشورها، ارتقا حقوق بشر و غیره ...، سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای، از جمله سازمان ملل متحد، یونسکو، شورای اروپا، اتحادیه اروپا، سازمان دولت‌های آمریکایی و غیره... تأسیس شدند. قدم‌های مؤثری در جهت حمایت از حقوق بشر برداشتند.

توجه خاص سازمان‌های مذکور به آزادی مطبوعات در مرحله اول، به آزادی اطلاعات در مرحله بعدی، توجهی که کماکان امروزه در قرن بیست و یکم به قوت خود باقی است،» به آن جهت بود که این آزادی به‌منزله مؤثرترین سلاح برای دفاع از حقوق بشر تلقی می‌گردد. (معمدنژاد، ۱۳۸۴: ۳۳۴)

با نگاهی به اقدامات انجام گرفته، از آغاز تاکنون، توسط هریک از سازمان‌های یادشده، به منظور حمایت از نقش وسایل ارتباط جمعی، در جهت آگاه‌سازی افراد، می‌توان به اهمیت و حجم کار، و راه پیموده شده، تحت تأثیر این‌ها، پی برد.

ت - چهارمین مرحله از جهانی‌شدن حقوق رسانه‌های سنتی: عصر جامعه اطلاعاتی و پدیده «هم‌گرایی»

عصر جامعه اطلاعاتی، که پدیده «هم‌گرایی» رسانه‌های سنتی و رسانه‌های نوین را به دنبال آورده است، طبیعتاً موضوع سرنوشت و جایگاه رسانه‌های سنتی در آینده را، مطرح می‌سازد. به نظر می‌رسد که سازمان‌های یادشده، در این عصر جدید، نه تنها به حمایت از نقش رسانه‌های سنتی پرداخته، بلکه بر اهمیت آن‌ها به عنوان رسانه‌های معتبر و انسجام دهنده، تأکید می‌ورزند.

موضوع دیگر، بحث هم‌گرایی است، از جمله هم‌گرایی تلویزیون و اینترنت، و ضرورت بازیابی نظام حقوقی تلویزیون، که امری گریزناپذیر است. باید دید که چارچوب‌گذاری‌های جدید، چه سمت و سویی به خود خواهد گرفت.

بند دوم: خصوصیات از حقوق جهانی در حقوق رسانه‌های سنتی
حقوق رسانه‌های سنتی، گرچه به مانند حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، یک حقوق فرامرزی نیست و همچنان حقوقی سرزمینی بشمار می‌رود، ولی بسیاری از خصوصیات حقوق جهانی را داراست. که در اینجا به آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف - حقوق رسانه‌های سنتی: حقوق هماهنگ شده

یکی از خصوصیات حقوق جهانی این است که حقوق داخلی کشورها را به یکدیگر نزدیک و هماهنگ ساخته است. می‌توان گفت که در دولت‌های قانونمند، میان چارچوب‌های حقوقی رسانه‌ها، به تدریج تشابه و نزدیکی به وجود آمده است.

همان‌طور که قبلاً دیده شد، نقش حقوق بین‌المللی و حقوق منطقه‌ای، در این زمینه، بسیار پررنگ بوده است. «استانداردهای تدارک دیده شده، توسط سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به فضاهای حقوقی داخلی نیز سرایت کرده اند. البته در این میان، نقش ایدئولوژی

غالب، در عصر جهانی شدن را نیز باید مورد نظر قرارداد.

ب- تعدد تولیدکنندگان حقوق رسانه‌های سنتی

حقوق رسانه‌های سنتی، متشکل از هنجارها و استانداردهای الزام‌آور، و غیر الزام‌آور، توسط تولیدکنندگان متعدد، در دل فضاهایی متنوع و متعدد، در طول زمان، شکل گرفته است. در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نهادهای گوناگون تحت تأثیر ایدئولوژی مشترک، تقریباً هم سو چارچوب‌هایی در نظر گرفته‌اند.

پ- حقوق رسانه‌های سنتی مبتنی بر مجموعه اصول بنیادی

همانند حقوق جهانی محیط زیست، یا حقوق جهانی حقوق بنیادی، که هریک مبتنی بر اصول پایه و بنیادی هستند، که این خود یکی از معیارهای حقوق جهانی بشمار می‌رود، حقوق رسانه‌های سنتی نیز استوار بر مجموعه اصولی است، که از دیرباز شکل گرفته‌اند، و مورد قبول جامعه بین‌المللی هستند.

ت- حقوق رسانه‌های سنتی: حقوق تلفیقی

یکی از ویژگی‌های حقوق جهانی، ترکیبی بودن یا مختلط بودن آن است. حقوق رسانه‌های سنتی، تلفیقی است از مجموعه قانون‌گذاری‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، رویه‌های قضایی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تنظیم‌گری‌های مستقل، و غیره.... همچنین، خود تنظیم‌گری نیز در عرصه رسانه‌ها، از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است.

گفتار سوم: حقوق تکنولوژی‌های نوین مصداق حقوق جهانی

شکی نیست که حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و به صورت خاص، حقوق اینترنت، بُعدی جهانی داشته و حقوق جهانی به شمار می‌رود.

بند یکم: اینترنت: «واقعیتی» با ابعاد جهانی

اینترنت، یک واقعیت کاملاً جهانی است. همانند فعالیت‌هایی همچون بازارهای مالی، فعالیتی فرامرزی، بدون سرزمین و غیرمادی، است. زیرساخت‌های آن اساساً متشکل از کابل‌های زیردریایی با فیبر نوری، ترکیب شده با کابل‌های زمینی است. (La preeminence du

3: droit sur L'internet et dans Le monde numerique en general, ?????

اگرچه به لحاظ تاریخی، عمده فعالیت راهبری فنی اینترنت، از جمله اداره «منابع حیاتی آن»، در دست شرکت‌های آمریکایی، نظیر آی‌کان، بوده است، اما «جهان‌شمولی»، «تمامیت» و «بازبودن» اینترنت، ایجاب می‌کند یکایک کشورها اقدامات ضروری در جهت تحقق این اصول را انجام دهند. (Conseil de L'Europe, Comite des ministres, 2011: 12)

بند دوم: حقوق اینترنت: حقوق جهانی

امروزه این موضوع که اینترنت نیاز به چارچوب، تنظیم‌گری، نظم و قانونمندی دارد، بدیهی به نظر می‌رسد و همگان بر آن تأکید دارند. ولی اینکه آیا حقوق بتواند به تنهایی از عهده این امر برآید، به عنوان سؤالی مطرح است. نه فقط دولت‌ها قادر نیستند، حداقل به تنهایی، از پس اینترنت، به عنوان فعالیتی غیر مادی، که ارتباطی با سرزمین خاصی ندارد، برآیند، بلکه دسته‌بندی‌های حقوقی کلاسیک هم دیگر جوابگو نیستند. بنابراین، حقوق تنها یکی از راه‌های تنظیم‌گری اینترنت است. (chevallier, ????????: 162)

الف - حقوق اینترنت: حقوق ترکیبی

حقوقی است ترکیب‌شده از هنجارهای حقوق بین‌المللی، حقوق منطقه‌ای و حقوق داخلی. اما از آنجایی که حقوق سخت به تنهایی جوابگو نیست، حقوق نرم هم نقش مهمی در نظم‌دهی ایفا می‌کند. که از جمله می‌توان به قواعد انضباطی، قواعد اخلاقی، آموزش کاربران و مؤسسات، همکاری‌های بین‌المللی، خود تنظیم‌گری، و غیره ... اشاره کرد. (Agenda de Tunis pour La Societe de L'information, ۲۰۰۵) با توجه به ویژگی فوق، گفته می‌شود که حقوق اینترنت ساختاری بسیار «ترکیبی» یا «تلفیقی» دارد. (AUBY, ????????: 62)

ب - جایگاه «خود تنظیم‌گری» در حقوق اینترنت

در تولید حقوق اینترنت، نه تنها مقامات دولتی، بلکه بخش خصوصی هم نقش ایفا می‌کند. در نتیجه «خود تنظیم‌گری» جایگاه مهمی در حقوق اینترنت دارد. که البته تنظیم‌گری توسط بخش خصوصی، توأماً در کنار تنظیم‌گری دولتی انجام می‌پذیرد. در نهایت اگر «خود تنظیم‌گری» کفایت نکند، تنظیم‌گری دولتی است که به حل مسائل

می‌پردازد. به همین دلیل گفته می‌شود که حقوق اینترنت، حقوقی «مختلط» است. (Ibid: 62)

پ - تعدد تولیدکنندگان حقوق اینترنت

همان‌طور که در مطالب فوق آمد، تولید، حقوق اینترنت، توسط نهادهای متفاوت و گوناگون، در فضاهای بسیار متنوع، بین‌المللی، منطقه‌ای، داخلی، عمومی، خصوصی، حرفه‌ای، یا خارج از حرفه‌ها، انجام می‌پذیرد. که البته تعدد، تکرار و پراکندگی فضاهای تنظیم‌گری، نیاز به این مفتی‌ها و همکاری‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

ت - حقوق اینترنت : مبتنی بر مجموعه اصول بنیادی

همان‌طور که بالاتر گفته شد، بعضی از شاخه‌های حقوق جهانی، مبتنی بر مجموعه اصول بنیادی، یا «هسته اصلی» از حقوق، از جمله در حقوق بشر، هستند. در حقوق محیط زیست گفته می‌شود که محیط زیست «میراث مشترک» بشریت است و در نتیجه، حول این موضوع، اصولی به رسمیت شناخته شده‌اند. اینترنت هم به عنوان یک «منبع عمومی جهانی»، مبتنی بر مجموعه اصولی است، که به تدریج جنبه خدشه‌ناپذیر پیدا خواهند کرد. (Une Ressource Publique mondiale , Declaration de Geneve, 2003)

ث - حقوق جهانی اینترنت در جهت هماهنگ ساختن چهارچوب‌ها

در بالا گفته شد که تعدد تولیدکنندگان حقوق اینترنت، می‌تواند مشکل‌آفرین باشد. درعین حال، حرکتی در جهت هماهنگ ساختن تنظیم‌گری‌ها و منطبق ساختن‌شان با یکدیگر وجود دارد. حقوق جهانی اینترنت، بابکارگیری راه‌های گوناگون، می‌تواند به این مهم دست یابد.

ج - اداره اینترنت به عنوان یک «منبع عمومی جهانی»

اداره و حکمرانی اینترنت،^۱ که یک «منبع عمومی جهانی» به شمار می‌رود، از همان ابتدا به عنوان یکی از موضوعات محوری در جامعه اطلاعاتی مطرح گردید. تأکید بسیار شد که حکمرانی مطلوب باید به صورت چندجانبه، شفاف، دموکراتیک، و با مشارکت دولت‌ها،

1. Gouvernance de L'internet .

بخش خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی انجام پذیرد. (Ressource Publique Mondiale, Le Sommet Mondial sur La Societe de L'information 2003:8)

در حالی که بعضی کشورها، کاملاً مخالف حضور بخش خصوصی در امر این حکمرانی هستند، کشورهای دیگر، از جمله کشورهای اروپایی، موافق با مدل «چندجانبه» هستند. منتهی، انحصار عملاً چند نهاد خصوصی آمریکایی را در این زمینه، غیر دموکراتیک می‌دانند. و پیشنهاد می‌دهند که عملکرد نهادهای مذکور، شفاف‌تر بوده، منافع عمومی را مورد نظر قرار بدهند، و پاسخگوی اعمالشان باشند. (Conseil d'Etat, Rapport precite, 2014: 8)

عمل حکمرانی و یا همان «گاورنس اینترنت»، فعالیت‌های متعددی را در بر می‌گیرد، که از جمله می‌توان به تقسیم منصفانه منابع، سهولت بخشیدن به دسترسی همگان، تضمین عملکرد امن، باز و باثبات، اینترنت و غیره... اشاره کرد، نه تنها موضوعات با ابعاد تکنیکی، بلکه موضوعات اقتصادی، و نیز سیاست‌گذاری‌ها را شامل می‌شود.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری مجموعه اصولی بازگشت‌ناپذیر در طول زمان، به عنوان ستون‌های پایه‌ای حقوق رسانه‌ای سنتی و حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، از آثار مثبت فرایند جهانی‌شدن است.

همان‌طور که دیده شد، جهانی‌شدن، فشارهای زیادی بر بعضی از شاخه‌های رشته حقوق وارد آورده است. که حقوق ارتباطات نیز جزئی از آن‌ها به شمار می‌رود.

اصول مورد نظر، که در نهایت دغدغه حقوق افراد را دارند، از حقوق خواننده، شنونده، بیننده، یا به بیان دیگر حقوق‌گیرنده یا حقوق مخاطبین گرفته تا حقوق کاربران اینترنتی، از جمله آن «پُل‌هایی» به شمار می‌روند که فضاهای حقوقی متعدد را به هم متصل می‌کنند.

جزء آن قواعد حداقلی هستند که جامعه بین‌المللی بر ضرورت حمایت از آن‌ها، توافق نظر دارد. از اجزای حقوق دموکراتیک محسوب می‌شوند چرا که به آگاه شدن افراد جامعه، افزایش مشارکت آن‌ها در امور عمومی، شفافیت بیشتر عملکرد دولتمردان، و غیره ... منتهی می‌شوند.

مجموعه اصول یادشده که تحت تأثیر جهانی شدن، یا تقویت شده یا تازه پدیدار گشته‌اند، مستقیم و یا غیر مستقیم، نه تنها در سطوح داخلی، بلکه در سطح جهانی نیز، موجبات تحقق اهدافی همچون حاکمیت قانون، شفافیت، عدالت، و غیره... را فراهم می‌آورند. به امید اینکه حقوق ارتباطات، از حقوق رسانه‌های سنتی گرفته تا حقوق تکنولوژی‌های نوین (اینترنت) موفق شود «بشریت» را در کانون توجه فضای جهانی قرار داده، آن روی تیره و تاریک جهانی شدن را بزدايد.

منابع

- معمدنژاد رؤیا، (۱۳۹۱) «حقوق تطبیقی ارتباطات»، تهران: فصلنامه علوم خبری.
- معمدنژاد رؤیا، (۱۳۹۰) «نقش سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در پیشبرد جهانی حقوق ارتباطات: بررسی تجربیات شورای اروپا»، مجله حقوق و سیاست، تهران.
- معمدنژاد کاظم و رؤیا معمدنژاد، (۱۳۸۶)، حقوق ارتباطات، جلد یکم، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- معمدنژاد کاظم، (۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) ارتباطات بین‌المللی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، دو جلد.
- معمدنژاد کاظم، (۱۳۸۳)، «یونسکو و سیاست‌گذاری ملی ارتباطات در کشورهای در حال توسعه»، رسانه، سال پانزدهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۵۸، تابستان.
- معمدنژاد کاظم، (۱۳۷۴) «دگرگونی سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی یونسکو: استراتژی نوین ارتباطی، به‌جای نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات با توجه خاص به پیشبرد وسایل ارتباطی آزاد، مستقل و کثرت‌گرا و پشتیبانی مجدد از جریان آزاد اطلاعات»، رسانه، سال ششم، شماره ۴، زمستان.
- معمدنژاد رؤیا، (۱۳۸۴) «دیوان اروپایی حقوق بشر و پشتیبانی از آزادی مطبوعات»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، تهران ۱۳۸۴، شماره ۲۱۶-۲۱۵.

- معمدنژاد رؤیا، (۱۳۹۳) «حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- معمدنژاد کاظم و رؤیا معمدنژاد (۱۳۸۶)، حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، جلد یکم، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- معمدنژاد کاظم، (۱۳۸۷) حقوق مطبوعات، جلد یکم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- معمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۷)، تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، جلد یکم، از تلگراف و تلفن تا بی‌سیم و رادیو، تهران، مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- معمدنژاد کاظم، (۱۳۸۸)، اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی: ژنو ۲۰۰۳-۲۰۰۵ تونس ۲۰۰۵، جلد یکم، تهران، مرکز پژوهش‌های ارتباطات،
- Auby (J.-B.), (2010), La Globalisation, Le droit et L'Etat , paris, L.G.D.J., Lextenso editions, 2eme ed.
- Chevallier (J.), (2008), L'Etat Post-Moderne, . Paris, L.G.D.J., 3eme ed.
- Delmas- Marty (M.), (2013), Resister, responsabiliser, anticiper, ou Comment humaniser La Mondialisation, Paris, Seuil.
- Derieux (E.), (2010), Droit des Medias. Droit Francais, Europeen, et international, Paris, L.G.D.J., 6eme ed.
- Chevallier(J.), (1999), L'Etat de droit, Paris, Montchrestien, eds clefs, politique, 3eme ed.
- Marguenaud (J.-P.) , (2012), La Cour Europeenne des droits de L'Homme, Paris, Dalloz, Connaissance du droit, 6eme edition.
- Derieux (E.) , (1998), “Les Principes du droit de La Communication dans La jurisprudence du Conseil Constitutionnel” Legipresse, mai 1997. Derieux (E.) , “Le Conseil Constitutionnel et les Principes du droit de La Communication” , Libertes, Melanges Jacques Robert, Montchrestien.
- Sudre (F.) , (2012), Droit europeen et international des droits de L'hom-

me, Paris , PUF, 11 ed.

Melin – Soucra manien (F.), (1998), Constitution de la Republique Francaise , Paris, Dalloz, 2015; Zoller(E.), Droit constitutionnel , Paris, PUF.

;Unesco, (2008), “Tendances Mondiales en matiere de Liberte dexpression et de developpement des medias” , eds Unesco;Les Rapports du Rapporteur Special sur La promotion et La protection du droit a’ La Liberte d’opinion et dexpression; Conseil de L’Europe, Document de Synthese sur La Liberte des Medias, Position du Commissaire aux droits de L’homme

.Conseil de L’Europe, Resolution Precitee (2008), “Indicateurs pour les medias dans une democratie”, Rapport de M. Wolfgang WODARG. 7 juillet, Document 11683

“La France dans La transformation numerique : quelle protection des droits fondamentaux?” , (2010), Colloque organise par Le Conseil d’Etat, 6 fevrier 2015, Introduction de Sauve (J.- M.).

“Le numerique et les droits fondamentaux” , (2014), Conseil d’Etat, Etude annuelle.

Unesco, Conference “Interconnecter Les ensembles: Options pour L’action Future”, 3-4 mars 2015, Document Final.

- «Conseil de L’Europe , Conference”, Une nouvelle Conception des medias? (2009), Reykjavik, 28-29 mai.

- Commission Europeenne, Livre Vert, (2013), “Se preparer a un monde audiovisuel totalement convergent: Croissance , Creation et valeurs, “Bruxelles,; Senat (france), (2012), Rapport d’information, Morin-Desailly(C.), “ Les nouveaux Usages de La Television” , Juillet.

- Proposition de Resolution Europeenne, Morin-Desailly(C.), (2015), ”Pour une Strategie europeenne du numerique globale, offensive et

ambitieuse” , Mai .

- Agence des Droits Fondamentaux de L' Union Europeenne, et Le Conseil de L' Europe, (2014), “Manuel de droit europeen en matiere de Protection des donnees”.
- Commissaire aux droits de L' Homme, Conseil de L'Europe, (2014), “La Preeminence du droit sur L' internet et dans Le monde numerique en general “ , document Thematique.
- Conseil de L'Europe, Conherence : “Liberte d expression et democratie a L' age numerique. Opportunités, droits, responsabilites” , (2013), Belgrade (Serbie), 7-8 nov.
- “Le Large bande au Service du developpement durable” , theme retenu par L'UIT Pour L'edition 2014 de La Journee Mondiale des Telecommunications et de La Societe de L'informaton (“Broadband for Sustainable Development”)
- Delmas- Marty (M.), Le Pluralisme Ordonne, Seuil, coll. “Essais, Paris, 2006.
- Morand (C.A.) , Le droit neo-moderne des Politiques Publiques, LGDJ, Paris, 1999.
- Frison-Roche (M.A.), Le droit de La Regulation, Dalloz, Chron.
- Delmas- Marty (M.). “Vers un droit Commun de L'Humanite” , textuel, Paris 1996; Delmas- Marty (M.) Le Pluralisme ordonne , Seuil, coll “Essais”, Paris 2006.
- SUDRE(F.) , Droit europeen et international des droits de L'homme, Paris, PUF, 11 eme ed 2012, 935 pp, p.214.

۲- مصوبات، رویه قضایی، گزارش‌ها، آدرس‌های اینترنتی

Directive 2010,13,UE du Parlement europeen et du Conseil du 10 mars 2010, Relative aux “Services de Medias audiovisuels”.

Conseil de L Europe, Declaration sur La Diversite CuLturelle, 7 decembre

2000.

Unesco, Declaration universelle sur La Diversite CuLturelle, 2 novembre 2001., Convention sur La Protection et La Promotion de La diversite des expressions culturelles, 20 octobre 2005.

Fressoz et Roire c/ France, 21 janvier 1999

(Jersild c/ Danemark , 23 Septembre 1994)

Conseil Constitutionnel, Decisions du 27 juillet 1982; 10 et 11 octobre 1984, 18 septembre 1986, etc...

Recommandation du Comite des ministres aux Etats membres, sur une nouvelle conception des medias, adoptee le 21 septembre 2011.

Le Rapport du Groupe de Haut niveau sur La Liberte et Le pluralisme des medias, Union Europeenne, “Des medias Libres et Pluralistes Pour soutenir La democratie europeenne “ , Janvier 2013, 49 pp.

arrets Golder (1975), Handisyde (1976) , Malone (1984), edc...

Arrets de la CEDH, Jersild c. DANEMARK , 23 Septembre 1994; Goodwin c.Royaume-Uni, 27 mars 1996; Fressoz et Roire c.France.21 Janvier1999. Etc....

Directive de L’Union europeenne sur, “Services de Medias audiovisuels” , 2010, Conseil de L’Europe, Assemblee parlementaire, Resolution (2008)sur “Les indicateurs pour les medias dans une democratie”,2013

Conseil de L’Europe, Recommandation “Sur des Mesures Visant a Promouvoir La valeur de Service Public de L’internet” , 2007.

Recommandation, “ Sur un Guide des droits de L’Homme Pour Les Utilisateurs d’internet” , 2014.

- Commission Nationale de L’Informatique et des Libertes (CNIL).(www.cnil.fr)

Loi “Informatique et Libertes” du. 6 Janvier 1978, Modifiee Le 6 aout 2004.

Le 36eme Conference annuelle des Commissaires a La vie Privee et a La

Protection des donnees 13 au 17 Octobre 2014.

Autorite de Regulation des Communications electroniques et des Postes
(www.arcep. fr).

Rapport Public d'activite de L ARCEP(2014), Juin 2015.

“Haute Autorite Pour La diffusion des Oeuvres et La Protection des droits
sur internet (www.hadopi.fr)” , Loi “Creation et internet” , 12 juin
2009 (dite Loi Hadopi) et 28 Octobre 2009 (dite Loi Hadopi 2).Medi-
ation.

Conseil de L'Europe, “Guide des droits de L'Homme pour Les Utilisateurs
d'internet” , Recommandation, 2014

Sommet mondial sur La Societe de L'information (wsis), Declaration de
Geneve 2003; Conseil de L'Europe, Declaration du Comite des min-
istres sur Les droits de L'homme et L'etat de droit dans La Societe de
L'information, 2005; etc...

La Cour de Justice de L' Union Europeenne (CJUE), La decision Google
Spain c/ AEPD , 13 mai 2014

TGI de Paris (ord.ref.), 24 nov, et 19 dec. 2014, Marie FRANCE M . c/
Google France et Google Inc; TGI de Toulouse (ord.ref.) ,21 Jan 2015,
Franck J. c/ Google France et Google Inc., Revue IRIS (Observations
Juridiques de L' Observatoire europeen de L' Audioviduel) 2015-4.

Conseil de L'Europe, Comite des Ministres, Recommandation “sur La Pro-
tection et La Pomotion de L'universalite de L'integrite et de L'ouverture
de L'internet” , Sept.2011.

Conseil de L'Europe, Comite des Ministres, Recommandation “ Sur la
Libre Circulation Transfrontiere des informations Sur internet” , Avril
2015.

Les travaux de La Commission Sur Le Large bande.

Conseil de L'Europe, Recommandation du Comite des Ministres, “sur La
Mission des medias de Service Public dans La Societe de L'informa-

tion", 2007

Conseil de L'Europe, Comite des ministres, Recommandation "sur La Protection et La promotion de L'universalite et de L'ouverture de L'internet", adoptee Le 21 sept. 2011.

L'Europe, Declaration sur "Une participation accrue des Etats Membres aux questions de gouvernance de L'internet-Comite Consultatif gouvernemental (GAC) de L'ICANN", 2010

قانون رسانه‌ای کشور فرانسه، قانون مربوط به آزادی مطبوعات ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱،
قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ در مورد آزادی ارتباطات سمعی و بصری
ده سال بعد از اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی، Wsis + ۱۰، اعلامیه نهایی
-کنوانسیون ۱۰۸ شورای اروپا مصوب ۲۸ ژانویه ۱۹۸۱، دستورالعمل ۲۴ اکتبر
۱۹۹۵ اتحادیه اروپا در مورد حمایت از داده‌ها، منشور حقوق بنیادی اتحادیه اروپا
مصوب ۲۰۰۰ (اصل ۸)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰
اعلامیه اصول ژنو ۲۰۰۳، اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی.